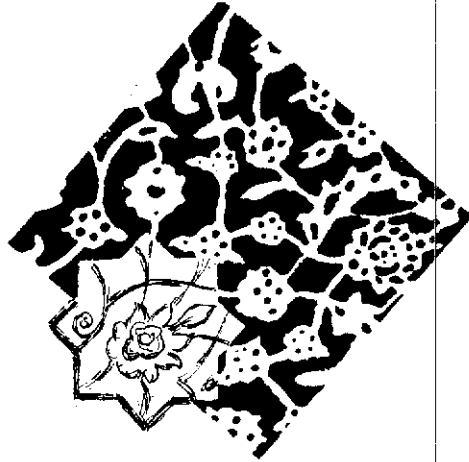
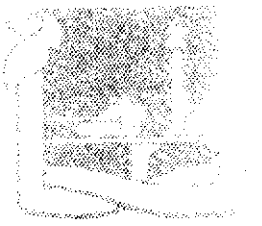


میراثِ اَبَلِكُ

سال سوّم - شماره دوّم



پیشگام
میراث



فرمان نظارت بر اوقاف

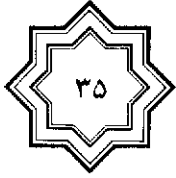
حسین استادولی

ولایت و سرپرستی پاره‌ای از امور اجتماعی و سیاسی مانند: نقابت، نظارت دیوان مظالم، امارت حاج (سرپرستی زائرین بیت‌الله الحرام) و... از مناصب مهم اجتماعی و سیاسی در قرون گذشته بوده است. این مناصب شاخه‌هایی از اصل درخت تنومند و بارور حکومت اسلامی بینه که سادات علوی همچون سیدرضی و پدر بزرگوارش مانند نیاکان پاک خود آن را حق مسلم خویش می‌دانستند و دیگران را غاصب آن می‌شمردند، گرچه به حسب شرایط زمان چاره‌ای جز مللوا نداشتند، لذا این بزرگواران بخشی از مناصب سیاسی و دولتی را با موافقت امرای آل بویه و تصویب خلیفه عباسی به عهده می‌گرفتند.

در این مقاله، فرمانی را در زمینه نظارت بر اوقاف که طائع لله - خلیفه عباسی - برای ابواحمد حسین بن موسی علوی صادر کرده و متن آن را ادیب معاصر وی ابواسحاق صابی برای او نگاشته است از نظر می‌گذرانیم. این فرمان از رسایل دیوانی و حکومتی است و با قلمی شیوا و انشایی بلند و ادیبانه نوشته شده و ابوالعباس احمد بن علی فلقشندی (۸۲۱ هـ. ق) آن را در کتاب خود صبح‌الاعشی فی صناعة‌الانشاء آورده است، اما پیش از آنکه متن فرمان را بیاوریم لازم است اشاره‌ای کوتاه به شرح حال رجال مذکور در آن بنماییم.

۱- ابواسحاق صابی ابراهیم بن هلال حرّانی، صاحب کمالات و فضائل و ماهر در ادبیات عرب و کتابت و انشاء و شعر بود. حرّان از شهرهای تاریخی و معروف سوریه بوده است. «صابی» لقب خویش را از

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی



کردند؟ دیدی چگونه چراغ محفل ما خاموش شد؟»
و در پاسخ اعتراض برخی فرمود: من فضل و کمال او
را ستودم^(۱)!

۲- عبدالکریم ابوبکر الطائع لله (لأمرالله) فرزند
ابوالقاسم فضل بن مقتدر المطیع لله بیست و چهارمین
خلیفه عباسی است که در سال ۳۶۳ هـ. ق. به خلافت
رسید. وی مردی بسیار قوی و سرپنجه بود. در ایام او
شوکت آل بویه تقویت یافت و عضدالدوله به بغداد رسید و
حکومت آل بویه منتشر گشت، ولی همین بویه‌یان در سال
۳۸۱ هـ. ق. او را از پای درآوردند.^(۲)

۳- ابواحمد حسین بن موسی ملقب به «ظاهر اوحد
ذوالمنقب» پدر سیدرضی و سیدمرتضی است که از
مفاخر دودمان پیامبر(ص) بود و شخصیت بلندقدر عصر
خود و مردی شریف و نجیب و باتدبیر و مورد احترام عام
و خاص شمرده می‌شد. به نقل ثعالبی در کتاب
یتیمه‌الدهر، وی مدتها منصب نقابت و رسیدگی به حال
سادات دودمان ابوطالب، و همچنین مناصب نظارت
دیوان مظالم و سرپرستی حجاج و زائران خانه خدا را به
عهده داشت، سپس در سال ۳۸۰ هـ. ق. تمامی این
مناصب را به فرزندش سیدرضی محول کرد. ابن
ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه^(۳) شرح حال او را آورده
است. ابواحمد در سال ۳۰۴ هـ. ق. به دنیا آمد و در سال
۴۰۰ هـ. ق. در حدود ۹۷ سالگی درگذشت.^(۴)

«صابئین» که فرقه‌ای پیرو حضرت یحیی بودند و بعداً
ستاره پرست شدند، گرفته است. وی کتابت دارالخلافة
بغداد و منشی‌گری حکومت آل بویه را در بغداد به عهده
داشت. فرمانها و نامه‌های مهم دولتی بیشتر به قلم توانا و
انشای رسای او بود. در سال ۳۴۷ هـ. ق. به سرپرستی
دیوان رسائل یعنی ریاست منشیان و نویسندگان امپراتوری
اسلامی بغداد نائل گشت. به امر عضدالدوله دیلمی کتابی
به نام التاجی در تاریخ سلاطین آل بویه نوشت. عزالدوله
بختیار دیلمی پسر معزالدوله سعی بسیار نمود که مسلمان
شود، ولی نپذیرفت، اما با مسلمانان در ماه رمضان روزه
می‌گرفت و نماز می‌خواند و قرآن را به بهترین وجه از
حفظ کرده بود و در نوشته‌های خود آیات قرآنی را به کار
می‌برد. به گفته ابن ندیم در سال سیصد و بیست و اندی
متولد شد و قبل از سال ۳۸۰ هـ. ق. درگذشت و با
سیدرضی روابطی دوستانه داشت حتی سیدرضی بهترین
اشعار او را در کتابی به نام مختار شعر ابی اسحاق الصائبی
گردآورده است. ابن اثیر و دیگران وفات او را در سال
۳۸۴ هـ. ق. ضبط کرده‌اند.

هنگامی که ابواسحاق صائبی وفات یافت سیدرضی در
قصیده‌ای غم‌انگیز او را مرثیه گفت:

أرأیت مَنْ حَمَلُوا عَلَی الْأَعْوَادِ؟

أرأیت کَیْفَ حَبَا ضِیَاءَ النَّادِی؟

«دیدی که چه کسی را بر این چوبها (تابوت) حمل



ترجمه فرمان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این نسخه فرمانی است درباره اوقاف که ابواسحاق صائبی از سوی طائع لله برای حسین بن
موسی علوی نگاشته، و مضمون آن چنین است:

این فرمانی است از سوی عبدالله عبدالکریم امام، طائع لله، امیرالمؤمنین، به حسین بن موسی
علوی که از عنصری پاک برخوردار است، و مایه‌های مهر و پیوند او با امیرالمؤمنین برقرار است. و
میان شرافت موروث خانوادگی و شرافت اخلاق اکتسابی جمع نموده. و آثار دینداری و امانتگزاری
وی به ظهور پیوسته، و دلایل فضل و کفایتش آشکار است، در مورد همه مسؤولیت‌هایی که
امیرالمؤمنین به او موکول فرموده و وظایف سنگینی که بر عهده او نهاده است^(۵)، و اینک علاوه بر
وظایف گذشته، نظارت بر موقوفات حضرت^(۶) و روستاهای اطراف آن را که در اختیار دیگری بوده
به او واگذار می‌نماید، به جهت اطمینانی که به درستی و سکون خاطر می‌کند که به رهیافتگی و استواری
او دارد، و می‌داند که او روش کار را به خوبی می‌شناسد و امانتی را که بدو سپارند به خوبی پاس
می‌دارد، و به همان راهی می‌رود که امیرالمؤمنین از او می‌پسندد، و همان می‌کند که بدو واگذار
گردیده است. خداوند، امیرالمؤمنین را در راه و مقصدی که پیش گرفته یاری دهد و در تمام اوامر و

۱- دوانی، علی، سیدرضی
مؤلف نهج البلاغه.
صص ۶۲-۶۰ (با اندکی
تصرف و تلخیص)

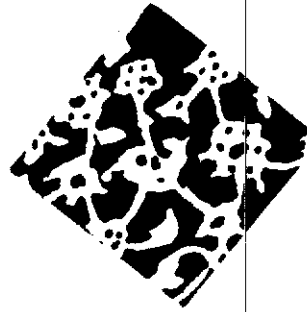
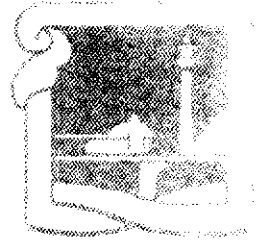
۲- ابن ططقی:
تاریخ الفخیری. تهران،
۱۳۵۰ ش، ص ۲۹۰.

۳- ابن ابی‌الحدید، شرح
نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۱.

۴- دوانی، علی، همانجا،
ص ۶.

۵- این وظایف همان مناصب
است که در شرح حال وی
گفتیم.

۶- این نام در کتب جغرافی به
صورت «حضره» آمده که
موضعی است در تهامه. و نیز
در «مراصدالاطلاع» جایی را به
نام «الحضیریه» ذکر می‌کند که
در شرق بغداد قرار دارد و
می‌گوید ظاهراً «الحضیریه»
درست باشد. و نیز «الحضیره»
یکی از آبادیهای مدینه است.
به هرحال موضع دقیق آن
محقق نشد.



فرمانهایش از آنچه به پشیمانی بیانجامد محفوظ بدارد. و توفیق امیرالمؤمنین جز به دست خدا نیست، بر او توکل می کند و بدو انا به می نماید.

او را فرمان می دهد به تقوای الهی که ستون دین و شعار مؤمنین است، و اینکه در امور سرّی و نهانی خود تقوا را در نظر دارد و آن را ذخیره دنیا و آخرت خویش سازد، و از موانع رخوت آور پیرمیزد، و از موارد تباه کننده خود را بپاید، و چشم از مطامع گمراه کننده بپوشد، و خویش را از پرتگاههای خوار و رسواکننده بیرون کشد، زیرا که او شایسته ترین کسی است که چنین کند و آن را برگزیند، و سزاوارترین کسی است که بر این کار تکیه زند و آن را شعار خود سازد، چرا که از نسبی شریف و افتخاری بلند و عادت مشهور و خوبی مأثور برخوردار است.

و نیز او را فرمان می دهد به تلاوت کتاب خدا، که آن کتاب با عترت رسول خدا(ص)، همان دو چیزی هستند که در میان امت به یادگار نهاده شده اند... (۷) و او شاخه ای از شجره خانوادگی امیرالمؤمنین است که خداوند آنان را پیش از همه خلایق با انذار و هشدار فراخواند، زیرا که فرستاده خویش محمد(ص) را گفت: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (۸) «خویشان نزدیکتر خویش را بیم ده». و محققاً خدای بزرگ ترغیب به تقوا نموده و به بندگانش به شرط داشتن تقوا قرب خود را وعده داده، و فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (۹) «ای مؤمنان، تقوای الهی پیشه کنید و با راستگویان باشید».

و او را فرمان می دهد که آنچه را امیرالمؤمنین از این موقوفات بدو واگذارده بپذیرد، و همه توان خود را در آبادانی آنها و تمام کوشش خود را در سامان بخشیدن به آنها به کار برد، و در بالا رفتن سطح درآمد و باروری آنها سخت بکوشد، و نهایت سعی خود را در تدبیر و توفیر آنها به خرج دهد، و اضافه درآمد هر وقفی را - پس از کسر مخارجی که در حفظ اصل و دوام درآمدهای آن می کند و حقوقی که به مسؤولان و نگاهبانان آنها می دهد - به صاحبانش که منافع آن مخصوص به ایشان است در وجوهی که برای آنها سبیل گردیده و وقف شده اند مصرف نماید، و آن را در جای خود نهد و به مصرف مورد نظر برساند، و از عهده حقوق آن در پیشگاه الهی بیرون آید و امانت را بدو بازگرداند، و بر کسانی که سهم خود را از موقوفات دریافت می کنند شاهد بگیرد، و در مورد اموالی که دریافت می دارند رسید بگیرد، و برای خود بر اموال این موقوفات که در مصالح آن هزینه می کند و به مصرف اهلش می رساند و نیز در حقوق مربوطه و ابواب نیکوکاری و سایر سبیل و وجوه آن خرج می کند شاهد و مدرک بگیرد، و در تمام این موارد به روش پسندیده خود که امانتگزار و به کار بردن نزاهت و پرهیزگاری است پیوید، و ناظران خیانت پیشه را که مراعات پیمان ننموده و از خوراکهای حرام و ظلمت گناهان خودداری نکرده اند تعقیب نماید.

و به او فرمان می دهد که کاتبی استخدام کند که به درستکاری معروف و به رشد و صواب مشهور باشد، و خیرخواهی یاران و دقت در حساب از او معلوم باشد؛ و اینکه تدبیر دیوان موقوفات را به چنین کسی بسپارد و او را به صیانت اصول و فروع کارها و حفظ مدارک خرد و کلان توصیه نماید، و در حفظ رسوم^(۱۰) و معاملات، و حراست خراجات و مقاسمات^(۱۱) آنها برای صاحبان آنها کمال

۷- در اینجا چند جمله درهم و نادرست وجود دارد که برای محقق کتاب نیز نامفهوم بوده است.

۸- شعراء: ۲۶، ۲۴

۹- توبه: ۱۱۹، ۹

۱۰- رسوم: جمع رسم، مقرری و پاداش و مالیات.

۱۱- 'خراج' مالیاتی است که تقدماً از صاحب زمین گرفته می شود. و 'مقاسمه' قرار داد در صدی از محصول زمین است که دولت دریافت می کند.



احتیاط را بنماید، تا حیف و میلی که اثرش ماندگار باشد بر زمین‌ها استمرار نیابد و رسمی که بیم زیان آن رود تغییر پیدا نکند، و با کرایه کنندگان و مزارعان و سایر مخالفان و معامله کنندگان به انصاف رفتار نماید و ستمی به آنان نکند و زبانی بدیشان وارد نسازد، و هیچ یک از حقوق آنان را نادیده نگیرد، و دست و دلبازی بی جا نیز از خود نشان ندهد، مگر سماحتی بجا که موجب افزونی آبادانی و پیوند دلهای آنان شود و سود و فائده دوطرفه برقرار گردد؛ زیرا که آن جناب در تمام اینها مورد اطمینان است و براوست که همه را انجام دهد و از عهده حق آنها بیرون آید.

به او فرمان می‌دهد که بایگانی خردمند، کاردان و امین برگزیند، که مدارک این موقوفات و پرونده‌ها و سایر دفاتر و حسابهای خرده را بایگانی کند، زیرا که آنها ودیعه‌هایی است از صاحبانش در نزد او، و لازم است که در این زمینه نهایت احتیاط را به کار برد، و هرگاه در یکی از شروط یا حدود شک کند و یا معارضی پیدا شود و یا مجادلی رخ نماید در ایام نظارت خود یا در ایام نظارت کسی که پس از او سرپرست این موقوفات می‌گردد و تدبیر آنها بدو سپرده می‌شود، با ارائه آن مدارک - که دلائل روشن و ستون این بنا و مرجع حل اختلافات و سرکوب کننده شبهه‌هایند آن معارضات حاصله را دفع نماید و به خصومت پایان دهد.

این است فرمان امیرالمؤمنین به تو، و وثیقه او که اینک در دست تو قرار گرفته است، پس فرمانهای او را پی گیری نما، و از نواهی او باز ایست، و بدان چنگ زن که نجات و سلامتی خواهی یافت، و براساس آن عمل کن که به رستگاری و غنیمت خواهی رسید، و از خداوند ارشاد طلب تا تو را ارشاد کند، و از او رهنمود بخواه تا رهنمودت دهد، و از او یاری جوی تا یاریت دهد، و کار خود بدو بسپار تا نگاهت دارد، ان شاء الله تعالی^(۱۲)

پرتال جامع علوم انسانی

